

غزل شماره ۲۱

دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست
گفت با ما نشین، کز تو سلامت برخاست

که شنیدی که در این بزم، می خوش نشست؟
که نه در آخرِ صحبت به ندامت برخاست

شمع اگر زان لبِ خندان به زبان، لافی زد
پیشِ عشاقِ تو شب‌ها به غرامت برخاست

در چمن، باد بهاری ز کنار گل و سرو
به هواداری آن عارض و قامت برخاست

مست بگذشتی و از خلوتیان ملکوت
به تماشای تو آشوب قیامت برخاست

پیش رقرار تو پا بر گرفت از خجالت
سرو سرکش که به ناز از قد و قامت برخاست

حافظ این خرقه پند از مکر جان ببری
کاش از خرقه سالوس و کرامت برخاست

تفسیر فال

ایمانت را قوی‌تر کن تا از رنج ملامت و سرزنش‌های بی‌پایان نجات یابی. زمانی که بر مشکلات و چالش‌ها غلبه کنی، گرفتاریت به تدریج برطرف می‌شود و احساس آزادی بیشتری خواهی کرد. اگر در عین غمگینی بتوانی لبخند بزنی و شادی را در دل خود حفظ کنی، بدون شک شاهکاری انجام داده‌ای که نه تنها نشانه‌ای از قدرت درونی‌ات است بلکه الهام‌بخش دیگران نیز خواهد بود. افرادی که به تو عشق می‌ورزند و از آشوب‌ها و غوغاهای زندگی‌ات محافظت می‌کنند، باید مورد تقدیر قرار گیرند؛ زیرا وجود آنها همچون چراغی در تاریکی است که راه را برای تو روشن می‌کند. حال وقت آن است که تغییراتی اساسی در خود و افکارت ایجاد کنی. بدی‌ها و تنش‌های منفی را همانند آتش بسوزان و با این کار نه تنها بار سنگین گذشته را از دوش خود برداشته‌ای بلکه فضایی برای پرورش بخشنده‌گی، مهربانی و محبت فراهم کرده‌ای. این تغییرات نه تنها به نفع خودت خواهد بود بلکه تأثیری مثبت بر اطرافیانت نیز خواهد داشت، زیرا خوبی‌ها همیشه به سوی دیگران سرایت می‌کند.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)